

۲۱۰۴۳۳۸

# تاریخ آسیای میانه (از مغولستان تا خوارزم)

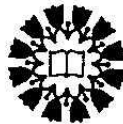
اسوت سوچک

ترجمه

دکتر سیده فاطمه ابراهیمی

تهران

۱۳۹۸



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

سرشناسه: سوچک، اسوت  
 عنوان و نام پدیده آور: تاریخ آسیای میانه (از مغولستان تا خوارزم) / اسوت سوچک؛  
 ترجمه سیده فهیمه ابراهیمی.  
 مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،  
 پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۸.  
 مشخصات ظاهری: هفت، ۴۰۷ ص.؛ نقشه.  
 فروست: «سمت»؛ ۲۲۸۴. تاریخ؛ ۶۵.  
 شابک: ۵-۰۷۳۳-۰۲-۶۰۰-۹۷۸-۳۶۰۰۰۰ ریال  
 یادداشت: عنوان اصلی:  
 یادداشت: کتابنامه.  
 موضوع: آسیای مرکزی — تاریخ، Asia, Central -- History  
 موضوع: مغولستان — تاریخ، Mongolia -- History  
 موضوع: خوارزم — تاریخ، Kharazm -- History  
 شناسه افزوده: ابراهیمی، سیده فهیمه، ۱۳۶۰-، مترجم.  
 شناسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،  
 پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.  
 The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the  
 Humanities (SAMT), Institute for Research and Development in the Humanities.  
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۸ ۹ س ۲ ت ۸۵۶ DK  
 رده‌بندی دیویی: ۹۵۸  
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۱۶۴۷۹

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)  
 پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی



A History of Inner Asia. Svat Soucek, Cambridge: Cambridge University Press, c2000.

تاریخ آسیای میانه (از مغولستان تا خوارزم)

نویسنده: اسوت سوچک

مترجم: دکتر سیده فهیمه ابراهیمی (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)

ویراستار علمی: دکتر محسن رحمتی (دانشیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان)

ویراستار ادبی: آفاق عابدینی

جواب اول: پاییز ۱۳۹۸

تعداد: ۲۰۰

حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سمت

قیمت: ۳۶۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و عوامل

توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)،

روبه‌روی پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۲-۴۴۲۴۶۲۵۰.

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

@sazman\_samt

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

## سخن «سمت»

یکی از هدف‌های مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاه‌ها بود، است و این امر مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی و تجربی هستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبنایی و مسائل این علوم است.

ستاد انقلاب فرهنگی بر این زمینه گام‌هایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می‌کرد که سازمان مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها» را، که به اختصار «سمت» نامیده می‌شود، تصویب کرد.

بنابراین، هدف سازمان این است که با استمداد از عنایت خداوند و همت و همکاری دانشمندان و استادان متعهد و دلسوز، به مطالعات و تحقیقات لازم بپردازد و در رشته‌های مختلف علوم انسانی به تألیف و ترجمه منابع درسی اصلی، فرعی و جنبی اقدام کند.

دشواری چنین کاری بر دانشمندان و صاحب‌نظران رشیده نیست و به همین جهت مرحله کمال مطلوب آن باید به تدریج و پس از انتقادهای سازنده و دادرری‌های پیاپی ارباب نظر به دست آید. انتظار دارد که این بزرگواران از این همیاری و راهنمایی دریغ نوزند و با پیشنهادهای اصلاحی خود، این سازمان را در اصلاح کتاب حاضر، بدون دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته تاریخ در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به عنوان منبع اصلی درس «تاریخ اسلام در آسیای میانه» به ارزش ۲ واحد ترجمه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

## فهرست مطالب

| صفحه | عنوان                                                       |
|------|-------------------------------------------------------------|
| ۱    | تاریخ آسیای میانه                                           |
| ۲    | دیباچه و ترجمه                                              |
| ۱۴   | درآمد                                                       |
| ۱۹   | مقدمه                                                       |
| ۱۲۳  | فصل نخست: سرآغاز                                            |
| ۱۷۸  | فصل دوم: گوک ترکان، پیکان چمن و پیروزی اعراب                |
| ۹۸   | فصل سوم: سامانیان                                           |
| ۱۰۶  | فصل چهارم: پادشاهی اوبغور کوچو                              |
| ۱۱۳  | فصل پنجم: قراخانیان                                         |
| ۱۲۴  | فصل ششم: سلجوقیان و غزنویان                                 |
| ۱۳۴  | فصل هفتم: مغولان فاتح                                       |
| ۱۵۰  | فصل هشتم: جغتایان                                           |
| ۱۵۶  | فصل نهم: تیمور و تیموریان                                   |
| ۱۷۹  | فصل دهم: واپسین تیموریان و نخستین ازبکان                    |
| ۱۸۴  | فصل یازدهم: شیانیان                                         |
| ۱۹۸  | فصل دوازدهم: ظهور روسیه، سقوط اردوی زرین و بازگشت جغتایان   |
| ۲۰۳  | فصل سیزدهم: مغولان بودایی                                   |
| ۲۱۵  | فصل چهاردهم: بخارا، خیوه و خوقند در قرن‌های ۱۷-۱۹م / ۱۱-۱۳ق |
| ۲۳۴  | فصل پانزدهم: سلطه روسیه و حکومت آسیای مرکزی                 |
| ۲۴۹  | فصل شانزدهم: از فرمانداری‌های کل تا اتحاد جماهیر            |
| ۲۶۶  | فصل هفدهم: آسیای مرکزی شوروی                                |
| ۲۹۸  | فصل هجدهم: آسیای مرکزی مستقل می‌شود                         |

۳۰۸

فصل نوزدهم: سین کیانگ، بخشی از چین

۳۲۲

فصل بیستم: جمهوری‌های مستقل آسیای مرکزی

۳۴۶

فصل بیست و یکم: جمهوری مغولستان

۳۵۳

خلاصه و نتیجه‌گیری

۳۶۸

پیوست ۱

۳۸۴

پیوست ۲

۳۹۳

منابع

www.ketab.ir

## فهرست نقشه‌ها

| صفحه | عنوان                                        |
|------|----------------------------------------------|
| ۲    | نقشه ۱ آسیای میانه: واحدهای مهم سیاسی        |
| ۷۹   | نقشه ۲ امپراتوری سونگ ترککان، حدود سال ۶۲۲ م |
| ۱۳۳  | نقشه ۳ امپراتوری مغول، حدود سال ۱۲۹۴ م/۶۹۳ ق |
| ۱۵۷  | نقشه ۴ امپراتوری تیموری                      |
| ۲۱۴  | نقشه ۵ آسیای میانه، حدود سال ۱۲۲۹ م/۱۲۴۰ ق   |
| ۲۳۳  | نقشه ۶ آسیای میانه تحت حکومت روسیه تزاری     |
| ۳۰۹  | نقشه ۷ سین کیانگ (ترکستان چین)               |
| ۳۴۳  | نقشه ۸ قزاقستان                              |
| ۳۲۰  | نقشه ۹ قرقیزستان                             |
| ۳۲۵  | نقشه ۱۰ تاجیکستان                            |
| ۳۲۶  | نقشه ۱۱ ترکمنستان                            |
| ۳۲۷  | نقشه ۱۲ ازبکستان                             |
| ۳۴۵  | نقشه ۱۳ مغولستان                             |

## دیباچه مترجم

سرزمین‌های پهناور آن‌سوی جیحون گرچه پیوند ناگسستنی با ایران داشتند و همواره بخشی از این سرزمین محسوب می‌شدند، از زمانی که حکومت شوروی دیوار آهنینی به دور مرزهای آن کشید، راديات پژوهشی کشورمان بسیار کم‌رنگ شده‌اند. پس از استقلال کشورهای این منطقه از حکومت شوروی (۱۹۹۱م)، عزم دوباره‌ای برای توجه مجدد به این سرزمین ایجاد شده، اما اقبال کشورهای آسیایی به این حوزه به مراتب بیشتر بوده است. به همین دلیل، اکنون داشته‌های پژوهشی ما از این پهنه یکپارچه، به‌ویژه تا دوران معاصر، آن‌قدر نیست که علاقه‌مندان بتوانند آشنایی نسبتاً جامعی در این حوزه مطالعاتی کسب کنند. خلافتی ما را بر آن داشته است تا با ترجمه یکی از جامع‌ترین پژوهش‌ها در باب تاریخ این سرزمین (که از ورود اسلام آغاز شده است و تا زمان معاصر را دربر می‌گیرد)، امکان مطالعه گسترده آن را، به‌ویژه برای دوستان علاقه‌مند به پژوهش در این حوزه، ایجاد کنیم و امید داریم که این‌گونه آثار بانی باشند برای ورود محققان به عرصه‌های مختلف حیات تاریخی این سرزمین.

شاید چالش آغازین و منحصر به فرد پژوهش در این قلمرو جغرافیایی، انتخاب نامی جامع برای این صفحات باشد؛ زیرا سرزمین‌های آن‌سوی امور که مراث و تراث مشترکی داشته و در حافظه تاریخی‌شان به‌سان یک موجود، تجرب‌های به هم تنیده‌ای را از سر گذرانده‌اند، به هر نامی که اکنون خوانده شوند، مخالفانی دارند که شرحی بر آن نام خواهند نهاد و از ظن عالمانه خود بیار آن می‌شوند. توران، فرارود، ترکستان، مار، اسهر، آسیای مرکزی و آسیای میانه نام‌هایی هستند که هر کدام تاریخی در دل خود دارند و در بسیاری از موارد به جای یکدیگر استفاده می‌شوند، اما به تعریف که می‌رسند هیچ کدام این شایستگی را نمی‌یابند که بر این پهنه به صورت یکپارچه اطلاق گردند؛ چه این نام‌ها یا ناقص‌اند یا با نیات خیرخواهانه شکل نگرفته‌اند. البته تاریخ تا قرن‌های اخیر چنین چالشی را در نام‌گذاری این منطقه نداشته است؛ زیرا نام‌هایی که برای بخش‌های مختلف جغرافیایی به کار می‌گرفته خود

به حد کافی گویا بوده است. برای مثال، قلمرو خراسان بزرگ، تخارستان، خوارزم، کاشغرستان و غیره، هر کدام دلالت تاریخی بر منطقه‌ای مشخص داشت. مسئله از زمانی رخ نمود که تمام این سرزمین به صورت یکپارچه از شرق دریای مازندران (کاسپی) تا چین مورد طمع قدرت‌های بزرگ همسایه قرار گرفت، آنجا بود که ماوراءالنهر، توران و همه نام‌های سنتی، کوچک‌تر از این پهنه جدید شدند. نامی که روس‌ها و اندیشمندان غربی عموماً با نیت خاص استعماری برگزیده‌اند آسیای «میانه» و «مرکزی» بود؛ لذا ایرانیان، به‌ویژه محققان تاریخ، بدان واکنش نشان داده‌اند. گذشته از آنکه بر نام دیگری اجماع نشد و پژوهشگران همچنان در جست‌وجوی نامی جدید و جامع‌اند، مورخان و اندیشمندان جدید غربی با بهره‌گیری از همان دو نام، تعریفی ارائه می‌دهند که کاری به توسعه‌طلبی روس‌ها و غیر آن‌ها ندارد و می‌کوشد با پذیرش سرنوشت تاریخی آن و با ارائه آن در پوششی علمی، تکلیف نام کلیت این پهنه را مشخص کند.

کلیتی که مؤلف کتاب در آن نظر دارد مشتمل است بر هفت کشور: ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، سین کیانگ<sup>۱</sup> و مغولستان. علت این انتخاب این است که به اعتقاد او زنجیره‌هایی که تاریخ این سرزمین را با مرکزیت این نام‌های جدید می‌سازد قوی‌تر از تفاوت‌هایشان است، و بدین‌وسیله مغولستان هم تصویر تاریخی این سرزمین ناقص خواهد بود. او هفت کشور یادشده را با ترجمه اصطلاحی که از Inner Asia داریم، آسیای میانه می‌داند که از نظر او هسته محصور در خشکی قاره اوراسیا است و حوادث تاریخی چنان مرزهای آن را منعطف ساخته است که نمی‌توان هر یک از آن‌ها را به‌طور مستقل مطالعه کرد. برای رهایی از چالش‌هایی که نام این سرزمین برای محققان غربی ایجاد کرده است ظاهراً باید سیری تاریخی در این اصطلاحات و عناوین داشته باشیم، و در نهایت، جمع‌بندی را به خوانندگان واگذار کنیم.

ابتدا با توران آغاز می‌کنیم که کاربرد آن مربوط به زمانی است که میان ساکنان پارسی قبل از اسلام و چادرنشینان آسیای میانه رقابت وجود داشت. در شمال رودخانه جیحون، برتری غالباً از آن ترک‌های چادرنشین دشت بود، لذا پارسیان دوره پیش از اسلام آنجا را، در مقابل ایران، توران نامیدند. سرزمین توران به ایران و یج یا مملکت خوارزم متصل بود؛ از طرف مشرق تا دریاچه آرال - که جغرافی‌نویسان قرون وسطا آن را



درباچه خوارزم نیز نامیده اند - امتداد داشته است. جنگ‌های ایرانیان و تورانیان بخش مهمی از داستان‌های ملی ما را تشکیل می‌دهد. پادشاه توران، افراسیاب (در اوستا، فرنره سینه)، با پادشاهان پیشدادی، و پس از آن با پادشاهان کیانی، در زدو خورد بوده است. در اوستا، از این جنگ یاد شده و غیر مستقیم حدود خاک توران تعیین گردیده است. بطلمیوس، جغرافی دان یونانی قرن دوم میلادی، تور را ناحیه خوارزم دانسته و خوارزمی (نیمه دوم قرن چهارم هجری) در *مفاتیح العلوم* می‌گوید: مرز توران معمولاً نزد ایرانیان ممالک مجاور جیحون است. در شاهنامه، توران مملکت ترکان و چینیان است که به واسطه جیحون از ایران جدا می‌شود. در کتاب‌های ایرانی و عرب قرون میانه، تمایل مخصوص به اطلاق آن به سرزمین ماوراءالنهر مشاهده می‌شود. نزد خاورشناسان، تورانیان طوایفی بودند در دشت‌های روسیه و مستملکات کنونی آسیای روس، یا طوایف چادرنشینی که از دریا تا رود سیحون (سیردریا) پراکنده بودند. از اوستا و کتاب‌های دینی پهلوی و داستان‌های ملی و اقوال مورخان قدیم برمی‌آید که ایرانیان و تورانیان از یک نژاد بودند، اما ایرانیان خود را شهرنشین و متمدن شدند و تورانیان به همان وضع بیابان‌نوردی و چادرنشینی باقی ماندند. در کتاب‌های متأخر، نواحی ترک و خزر و چین و ماچین و تبت و شرق را به تفاوت خاک تور (پسر فریدون) دانسته‌اند، و ممالک روم و روس و آلان و مغرب را خاک سرم (سلم). برخلاف این پندار، توران و سرمان و دو مملکت دیگر سائینی و داهی (که در فروردین یشت آمده است) هر چهار، مانند خود ایران مرز و بوم قوم آریایی است (ر.ک.: *لغت‌نامه دهخدا*، مدخل توران).

در سیر نام‌های تاریخی، دومین نام فرارود یا ورارود (ماوراءالنهر) است. سرزمین‌های واقع در حوضه آبریز دو رود آمودریا و سیردریا، دربرگیرنده ایالات پهلوانان، سحلان، کش، نخشب، بخارا، سمرقند، اسروشنه، فرغانه، چاچ و اسپجباب، که در زبان پهلوی فرارود نامیده می‌شد، پس از فتوحات اعراب به ماوراءالنهر معروف شدند. این سرزمین از دیرباز شرقی‌ترین ایالت ایران و از دوره هخامنشی تابع امپراتوری ایران بود و سکنه آن آریایی بودند. ماوراءالنهر در دوران هخامنشیان جزو ساتراپ سغد بوده است. اگرچه در دوره‌های بعد، با هجوم ایلات بیابانگرد به آنجا، وحدت سیاسی آن ناحیه با ایران از میان رفت، اما پس از چند قرن، در اواخر قرن اول هجری، همان بافت سیاسی و جمعیتی منطقه همچنان حفظ شده و اساساً ایرانی باقی مانده بود.



همان‌طور که اشاره شد، در سده اول هجری، فاتحان عرب این منطقه را ماوراءالنهر نامیدند. فردوسی در مورد این تغییر نام می‌سراید:

فرارود را ماوراءالنهر خوان  
اگر پهلوانی ندانی زبان

حدود جغرافیایی ماوراءالنهر در منابع به صورت کلی مشخص شده است و البته در کلیات اختلافات اندکی هم به چشم می‌خورد. ابن رسته، از جغرافی دانان قرن سوم، ماوراءالنهر را بلاد خراسان ذکر کرده است. وی حد جنوبی و غربی ماوراءالنهر را جیحون و شرق آن را فرغانه می‌نامد. در حدود العالم آمده است که شرق ماوراءالنهر حدود تبت و هندوستان، جنوب آن حدود خراسان، مغرب آن حدود چغانیان و شمال آن اسروشنه بوده است. از مجموع منابع چنین برمی‌آید که سرزمین‌های بین رود جیحون و سیحون، که همان سغدیاست، ماوراءالنهر نامیده می‌شد. این منطقه ایالات بالایی - پایانی، نخ، وخن، اسروشنه، چاچ، فرغانه و دشت بالای سیردریا را دربر می‌گیرد. قابل توجه اینک، با قرن بیستم م/ چهاردهم ق، همچنان نام اسلامی آن رایج بود.

در پی تحولات تاریخی، تدریجاً نام دیگری هم پس از ماوراءالنهر متولد شد: ترکستان. این نام پس از ورود ترکان به این سرزمین به این نام تغییر پیدا کرد (پس از سقوط دولت سامانی، مهاجرت ترکان به ماوراءالنهر شدت گرفت و این نام به تدریج ترکستان بدل شد) و بعدها با آشفته‌گی‌هایی همراه شد. برخی محققان پنداشته‌اند که نام ترکستان را روس‌ها به اراضی ماوراءالنهر داده‌اند. در دایرةالمعارف بزرگ شوروی<sup>۱</sup> نیز آمده است که در سال نوزدهم م/ سیزدهم ق و اوایل سده بیستم م/ چهاردهم ق نام ترکستان به بخش‌هایی از اراضی آسیای مرکزی و قزاقستان، و آن بخش از سرزمین‌های آسیای میانه که تابع دولت روسیه بوده‌اند، اطلاق می‌شده است. حال آنکه قرن‌ها پیش از آن تاریخ، نام ترکستان در نوشته‌های فارسی و عربی وجود داشت. بخش گسترده‌ای از اراضی آسیای مرکزی بدین نام خوانده می‌شد. حقیقت ماجرا این است که بر اثر ضعف ایران در پی شکست‌های پیاپی از امپراتوری روسیه در ۱۸۶۰م/ ۱۳۷۸ق، روسیه برای تحت تسلط درآوردن کل منطقه از نفوذ ایران و پیشروی به سمت جنوب، شهر ترکستان (واقع در قزاقستان امروزی) را تصرف کرد و بعدها، به گونه‌ای دور از دقت لازم، سراسر ماوراءالنهر را به نام شهر جدیدی نامید که به تصرف درآورده بود. در ۱۸۶۷م/ ۱۲۸۴ق، دولت روسیه در ماوراءالنهر فرمانداری کل ترکستان را تأسیس کرد که مرکز آن شهر تاشکند بود. در ۱۸۸۶م/ ۱۳۰۳ق، اراضی تابع فرمانداری کل روسیه به صورت رسمی «استان ترکستان» نامیده شد. تا پیش از انقلاب شوروی، ترکستان کلیه

مستعمرات آسیای روسیه را در مشرق دریای مازندران (کاسپی) دربر می گرفت. در نوشته های دیگر، غالباً عنوان روس یا غربی نیز در دنبال آن قرار می گیرد تا با ترکستان اصلی یا ترکستان چین، که ترکستان شرقی نیز گفته می شود، اشتباه نشود.

به هر حال، ترکستان غربی (که در متون روسی و غربی به جای ماوراءالنهر به کار می رود) مشتمل بود بر اراضی ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و بخش جنوبی قزاقستان که بیشترین بخش آن را صحرای قره قوم و قزل قوم فرا گرفته است. بخش شرقی این منطقه به ارتفاعات پامیر و تیان شان می پیوندد. گاه مرز ترکستان از شمال فرغانه در شمال سیردریا آغاز می شد و شهر کاسان در فرغانه را اول بلاد ترکستان می دانستند.

ترکستان شرقی، ترکستان چین (یا اویغورستان) نیز اصطلاحی است سیاسی با معانی متعدد. این سرزمین وسیع در غرب چین قرار دارد و سلسله جبال تیان شان آن را دو قسمت کرده است. رود تاریم بر آن مرز گذرد و وارد دریاچه «آب نور» می شود. بسیاری از شهرهای مهم و تاریخی جهان ترک در ترکستان شرقی واقع شده اند؛ از جمله می توان کاشغر، یارکند، آقسو، تورفان، کوچا و ارومچی را نام برد. این ناحیه که اکنون ایالت سین کیانگ چین را تشکیل می دهد، در گذشته گاهی به تنهایی کاشغریستان نامیده می شد.

به لحاظ تاریخی، ترک شناسان روس این صفت «شرقی» را جایگزین اصطلاح ترکستان چین کرده اند که به لحاظ جغرافیایی اشاره به حوضه تاریم در بخش جنوب غربی ایالت سین کیانگ داشت و در معنا تداومی را با ترکستان غربی نشان می داد. نام اویغوری تاریخی برای حوضه تاریم آلتی شهر است که در زبان اویغوری هفت شهر ترجمه شده است. از قرن بیستم م/ چهاردهم ق، جدایی طلبان اویغور و حامیان شان نیز از اصطلاح ترکستان شرقی (یا اویغورستان) برای سین کیانگ استفاده کردند. آن ها بر این باور بودند که سین کیانگ، منظرگاه ادعایی چینی ها را نشان می دهد، لذا آن ها ترجیح می دهند از ترکستان شرقی استفاده کنند؛ زیرا این نام بر پیوند با دیگر گروه های ترک که در غرب این قلمرو قرار دارند، تأکید دارد. اما از نظر چینیان، اصطلاح ترکستان شرقی بار معنایی منفی دارد، زیرا خاستگاه و ریشه آن به استعمار اروپا برمی گردد.

دو نام بسیار رایج که در متن حاضر استفاده می شود و تقریباً جای همه نام های پیشین را گرفته آسیای مرکزی و آسیای میانه است. حتی در مجامع علمی ایرانی هم این دو نام غالباً به جای یکدیگر استفاده می شوند، اما از حیث مساحت قلمرو و شمول سرزمینی با هم تفاوت دارند. برای فهم چند و چون این اصطلاحات سیری در ابعاد مختلف آن ها مفید خواهد بود.

آسیای مرکزی: پیشنهاد تغییر نام این منطقه به آسیای مرکزی را الکساندر فون هومبولت<sup>۱</sup>، جغرافی‌دان پروس، در ۱۸۴۳م/ ۱۲۵۸ق مطرح کرد. به لحاظ جغرافیایی، این واژه غیر بومی و جدید مشتمل است بر قلمروی از دریای مازندران (کاسپی) و حوضه رود آرال در غرب تا کوه‌های آلتای و واحه تورفان در شرق، و از مرزهای کمر بند دشت (که در مجاورت جنگل سبیری غربی، تایگا، قرار دارد) در شمال تا هندوکش و رشته کوه کپه‌داغ در جنوب. مورخان غربی عموماً بر این اعتقادند که به دلیل هویت فرهنگی و تاریخی خاص این منطقه، جغرافیای طبیعی نمی‌تواند به تنهایی تعریفی از آن ارائه دهد؛ لذا سرزمینی را که آسیای مرکزی می‌خوانند به زبان بخش غربی، ترکی-ایرانی آسیای میانه تعریف می‌کنند. با این تعریف، آسیای مرکزی شامل دو منطقه جغرافیایی اصلی است:

۱. بخش غربی که دربرگیرنده دشت تورفان در شرق دریای مازندران (کاسپی) است و شمال آن هم سرزمین‌های مرتفع قزاق قرار دارد، در جهت شرق به دامنه‌های تیان‌شان و کوه‌های پامیر و در جهت جنوب به کوه‌های کپه‌داغ کشیده می‌شود.
۲. بخش شرقی که شامل فلات مرتفع حوضه تاریم و حوضه جونگاریه است (که با کوه‌های تیان‌شان از هم مجزا شدند، حوضه تاریم نیز از فلات مرتفع‌تر تبست با رشته کوه کان‌لان جدا می‌شود).

این دو بخش اصلی در قرن‌های متأخر، بابت ترکستان غربی و شرقی نامیده می‌شدند. این جغرافیا در فرهنگ اصطلاحات روسی با واژه Центральная Азия یا Central Asia آمده که دربرگیرنده سرزمین‌های آسیای مرکزی است که هرگز بخش از روسیه تاریخی نبوده‌اند. آسیای میانه: در ۱۹۲۴م/ ۱۳۴۲ق، پس از برپایی حکومت شوروی، آسیا از نظر سیاسی در ارتباط با مسکو به سه بخش تقسیم شد: ۱) آسیای نزدیک (منطقه قازاق)؛ ۲) آسیای دور (متصرفات سبیری و سرزمین‌های خاور)؛ ۳) آسیای میانه (حدفاصل آسیای دور و آسیای نزدیک). در فرهنگ روسی، اصطلاح Srednyaya Asia یا Middle Asia دربرگیرنده مناطق غیراسلاوی آسیایی است که در مرزهای روسیه تاریخی ادغام شده‌اند. در دومین دایرةالمعارف بزرگ شوروی که در ۱۹۵۷م/ ۱۳۹۶ق به چاپ رسیده، واژه روسی «سردنیا آزیا» (Средняя Азия) عنوان شده است. ذیل این واژه می‌خوانیم: «بخشی از سرزمین آسیایی اتحاد شوروی است که از دریای خزر در غرب تا مرز چین و شوروی در شرق، در مرزهای دولت شوروی در جنوب تا منطقه آرال و ایرتیش و حوضه دیباجه بالخاش در شمال